



## سرّ دلبران

محمد جواد رهسپار  
قاضی دادگستری



فصل نامه علمی - تخصصی / سال سوم، شماره ۶ / تابستان، ۱۴۰۳

یازدهم شهریورماه امسال، دهمین سالگرد درگذشت دکتر ناصر کاتوزیان است. دربارهٔ دکتر کاتوزیان تاکنون زیاد گفته و نوشته شده است، اما کتاب یاد استاد به اهتمام دکتر تهمورث بشیریه شیوه‌ای جالب و متفاوت در پیش گرفته است. در این کتاب، «دل‌نوشته‌ها و خاطرات» شاگردان و دوست‌داران دکتر ناصر کاتوزیان به چاپ رسیده است. یکی از این دل‌نگاشته‌ها به قلم دکتر حسن جعفری تبار است. ایشان عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است که مانند دکتر کاتوزیان حقوق و ادبیات را به هم آمیخته است. از کتاب‌های ایشان می‌توان به دیو در شیشه - در فلسفهٔ رویهٔ قضایی و کاغذین جامه - آیین نگارش لایحهٔ قضایی را نام برد.

دکتر حسن جعفری تبار در این دل‌نگاشته به بیان ویژگی‌های دکتر کاتوزیان از جنبهٔ شخصی و حقوقی پرداخته است. به گمان من بهتر از این نمی‌توان در وصف دکتر کاتوزیان گفت و نوشت! مولانا چه نیکو گفته است که: خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران / گفته آید در حدیث دیگران!  
شما را به خواندن فقراتی از این دل‌نگاشته دعوت می‌کنم.

(تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) (سوره قصص. آیه ۸۳) ترجمه: این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته‌ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد، و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است (ترجمه عبدالمحمد آیتی).

یاد استاد عزیزم دکتر ناصر کاتوزیان را گرامی می‌دارم؛ کسی که بی‌گمان نمادی روشن از یک انسان متقی و پرهیزگار بود. کسی که در این جهان، نه استعلایی بر دیگران جست و نه فساد را بر آن مرتکب شد. پروژه دکتر کاتوزیان برای حقوق در دو کلمه «قانون و عدالت» خلاصه می‌شود.

تا پیش از کاتوزیان، حقوق دانان انصافاً فقط مطیع و دلنگران قانون و شارح آن بودند و اگر کسی هم از عدالت سخن می‌گفت، در عمل، از جمع قانون و عدالت عاجز بود. ولی کاتوزیان را فیض روح القدس مدد کرده بود تا این پروژه ناممکن را به اتمام و مقصد برساند.

کاتوزیان برای این کار بی‌گمان متقیانه و پرهیزگاران عمل می‌کرد. کاتوزیان متقی بود، دقیقاً با تمام اوصافی که پارسایان باید داشته باشند و امام علی (ع) در خطبه همام به آن اشاره کرده‌اند: «آنان کسانی‌اند که دنیا آنان را می‌خواهد، اما آنان دنیا را نمی‌خواهند.» (ارادتهم الدنيا فلم یُریدوها)؛ وقتی به او پیشنهاد مبلغی کلان در ازای یک نظریه حقوقی داده بودند، قبول نکرد، چون فکر می‌کرد نظر او شاید سبب اعمال نفوذ ناروا بر دادرسی پرونده باشد.

در کتاب قانون مدنی خود، نظر خود را فقط یکی از نظرها معرفی کرده تا مبادا اقبال و اعتماد حقوق دانان به کتاب او سبب شود آنان بدون تحقیق، نظر او را به‌عنوان آخرین و درست‌ترین نظر بپذیرند، چون همگان کاتوزیان را شمع جمع حقوق دانان می‌دیدند.

او همچون پارسایان، عزت نفس و مناعت طبع داشت؛ پشیزی ارزش برای قدرت و قدرت‌مداران از جهت زور و قدرتشان قائل نبود و درست به همین دلیل، مصداقی از آنان بود که خدا در نظرشان بزرگ بود و هرچه غیر او، در چشمشان کوچک می‌نمود (عَظُمَ الْخَالِقُ فِي انْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي اَعْيُنِهِمْ).



به من می فرمود که آیه‌ای از قرآن کریم را فوق العاده دوست دارد و آن (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) است؛ کاتوزیان در برابر هیچ زورمندی سر ارادت فرود نیاورد، مگر برای پروردگارش.

در یکی - دو سال اخیر، او دیگر تبدیل به اتر شده بود؛ شعله‌ای که می توانستی از درونش رد شوی. وقتی روبه رویش می ایستادی، آن سوی قلب او را به شکلی شفاف می دیدی. او چون تیری پیراسته و تراشیده شده بود (قَدْ بَرَّاهُمُ الْخَوْفُ بَرَى الْقِدَاحِ) به جد می توان گفت که از کاتوزیان در طول عمرش حتی مکروهی هم صادر نشده بود تا چه رسد به خطایی بزرگ. او مظهر بارز بی آزاری بود (شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَالنَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ). کاتوزیان لباس همه این تقواها را به تن داشت، اما با همه این تقواها تقوای حقوقی هم داشت. نهایت پایبندی به رعایت قانون؛ به مثابه یک حقوق دان، قانون را هرگز بیهوده و لایعنی نشمرد و از آن تخطی نکرد. فردوسی هزار سال پیش او ظاهراً او را خوب شناخته بود که درباره اش گفته بود:

گروهی که کاتوزیان خوانی‌اش به رسم پرستندگان دانی‌اش

او نسبت به قانون به رسم پرستندگان و متعبدان زیسته بود. احترام او به قانون، چه در طول دوره قضاوتش و چه در نظریه پردازی‌اش و چه حتی در زندگی شخصی‌اش مثال زدنی است. تعبّد کاتوزیان هم نسبت به احکام حقوقی دین و هم نسبت به حکم قانون بی نظیر بود. شاید به همین دلیل بود که برای کاتوزیان شخصیت بازرس ژاور در رمان بینوایان از ویکتور هوگو همیشه جذاب بود؛ چون به رغم تمام جمود این شخصیت، از قانون کوتاه نیامده بود و بر سر دوراهی بی قانونی و خودکشی، دومی را برگزیده بود.

اما اگر کاتوزیان نسبت به قانون، پرستنده و متعبّد بود نسبت به عدالت همواره به رسم شیفتگان و عاشقان مواجه شده بود. کاتوزیان، دماغ قانونگرایی را به انصاف معطر کرد و این کار صعب را به نیکی انجام داد و خدا و خرمایی که هرگز با هم جمع نمی شدند باهم خواست...

نقل از صفحات ۱۰۷ تا ۱۱۶ کتاب یاد استاد، به اهتمام: تهمورث بشیریه، چاپ ششم، ۱۳۹۵، انتشارات خرسندی.



جالب آنکه بر پیشانی کتاب نوشته شده: «عواید این کتاب به کانون اصلاح و تربیت اختصاص می‌یابد». برخی در کار خیر هم ذوق و سلیقه به خرج می‌دهند! خداوند جزای خیرشان بدهد.

